رفتار شناسی علماء بغداد از جمله طبری دراعتراض به قرائات قرآن

طبری در ۳۱۰ وفات کرد؛ ابن جزری در النشر می‌گوید اول کسی که دهنش باز شد به اعتراض به قرائی که قرائت متواتر دارند، طبری بود. طبری تفسیری عظیمی دارد؛ از این کارها می‌کند. محکم در می‌کند. خیلی جاها قرائات مشهور را در می‌کند. خب این کارش است. شما می‌گویی اگر کلام خدا است، از کجا در می‌کند؟ در ذهن او اگر کلام خدا بود که در نمی کرد. اینکه دید طبری چه بود خودش مباحثه جدا می‌خواهد. چند جلسه باید مستندات را ببینیم و رفتارشناسی و ذهن شناسی او را ببینیم. مباحثه جدا می‌خواهد.

من گمانم این است: این فضا در علماء بغداد خیلی نزدیک است. همچنین در تبیان هم جلوه‌گر است. تنها به‌عنوان احتمال در ذهن من طلبه مطرح می‌کنم تا بعداً تحقیق کنید. در این طیف از علماء در بغداد وقتی از قرائات صحبت می‌کنند به این صورت جلو می‌روند: اول هر قرائتی مطرح می‌شود فعلاً به‌عنوان اجتهاد و نقد به آن نگاه می‌کنند. باید همینطور جلو بروند تا به حد شهرت و استفاضه برسد. وقتی برای آن‌ها ثابت شد که مستفیضه است –ولو پنج قرائت باشد؛ تعدادش مهم نیست- آن را قبول می‌کنند. من از تبیان شیخ الطائفه آوردم؛ سه قرائت را با هم قبول کرده بودند. چرا؟ چون می‌گفتند مشهور است؛ «الجاءز» داشتند. ولی قرائتی را که شهرت نداشت قبول نکردند.

طبری هم به این صورت است. یعنی تا اینکه قبول کند قراء الامصار این را می‌خواندند، کار می‌برد. یعنی مدام دغدغه می‌کند، ایراد می‌کند و برمی‌گردد، آن را به این ختم می‌کند: «به قرأ قراء الامصار». تا ممکنم بوده کلمات طبری را آورده‌ام. قراء امصار که شد، قراء امصار مسلمین هستند. یعنی پشتوانه آن تواتر می‌شود.

بازبینی #2
ایجاد شده 2 مه 2024 14:14:48 توسط ... .
به روزرسانی شده 6 ژوئن 2024 13:07:24 توسط ... .